



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۳۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۲۶ اسرداد ماه ۱۳۰۹ - ۲۲ ربیع الاول ۱۳۰۹

قیمت اشتراك سالیانه
داخله ۱۰ تومان
خارجی ۱۲ تومان

تک شماره : یکقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و ششم ارداد ماه ۱۳۰۹ * (بیست و دوم ربیع الاول ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱ [تصویب صورت مجلس | ۲ [شور تثنی لایحه بانک فلاحتی |
| ۳ [معرفی آقایان وزیر مالیه و معاون وزارت عدلیه | ۴ [موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس یکشنبه نوزدهم ارداد ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

- | | |
|-----------------------|---|
| رئیس - آقای فرخی | رئیس - آقای روحی |
| فرخی - قبل از دستور | روحی - قبل از دستور |
| رئیس - آقای زوار | رئیس - آقای حیدری |
| زوار - قبل از دستور | حیدری - قبل از دستور |
| رئیس - آقای عراقی | رئیس - آقای ناصری |
| عراقی - قبل از دستور | ناصری - قبل از دستور |
| رئیس - آقای یاسائی | جمعی از نمایندگان - دستور ۱ دستور |
| یاسائی - قبل از دستور | رئیس - وارد دستور شویم؟ (بلی بلی) صورت مجلس |

* * * عین مذاکرات مشروح یکصدوسی و نهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اساسی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

- غائبین با اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - سید کاظم - امیر عامری - محمد ولی میرزا - بیات ماگر - اعظم زنگنه - حاج میرزا حبیب الله امین - کاشانی - فرشی - فتوحی - لرستانی - دبستانی - مصدق جهانشاهی - اسکندری - میرزا یانس - مقدم - بروجردي - ارباب کیخسرو - تیمور تاش
- غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - بوشهری - محمود - قوام - حاج رحیم آقا - آقا میرزا ابوالفضل - آثار ضامهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخعلی مدرس - حاج حسن آقا ملک
- دیر آمدگان با اجازه - آقایان : غیر فرهمند - هراز - حکمت - بیات - ذوالقدر
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : طهرانی - فولادوند

مالی ندارد ؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای رئیس الوزراء

فرمایشی داشتند ؟

[۲ - معرفی آقایان وزیر مالیه و معاون وزارت عدلیه]

رئیس الوزراء - جناب تقی زاده را بسمت وزارت مالیه خدمت مجلس معرفی میکنم (صحیح است) و وزارت طرزق را هم خودشان فعلاً متصدی خواهند بود (آقا سید یعقوب کفالت) و آقای بهرامی که خیال کرده بودیم در مالیه از وجود ایشان استفاده بشود بواسطه این پیش آمد که وزیر عدلیه مجبور شد مسافرت بکنند ایشان باز مجدداً بسمت معاونت وزارت عدلیه بر قرار شدند.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

کازرونی - صحیح است و خیلی هم مناسب

[۳ - شور دوم لایحه بانک فلاحتی]

رئیس - خبر از کمیسیون اقتصاد ملی راجع به تأسیس بانک فلاحتی شور دوم است قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون اقتصاد ملی با حضور آقای وزیر اقتصاد ملی پیشنهاد آقایان نمایندگان را که ضمن شور اول لایحه تأسیس بانک فلاحتی تقدیم شده بود مورد مذاقه قرار داده و بالاخره لایحه را با در نظر گرفتن پیشنهادات واصله با اصلاحاتی تنظیم و اینک خبر آنرا برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی می نماید

ماده اول - وزارت مالیه از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه فلاحتی ببنانک ملی تأدیه خواهد کرد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً خیلی تشکر باید کرد از دولت که در صدد بر آمده است بانک فلاحتی تأسیس کند که خیلی محل احتیاج فلاحین است امیدوارم بواسطه این قبیل تأسیسات

اگر ممکن شود تمام پنج میلیون تومان را می گذاشتند بهتر بود ولی با اطلاعی که آقا دارید میدانید که بیش از این مبلغ در بودجه پیش بینی نشده و امید داریم انشاء الله در سنوات آتی موفق بشوند که يك مبلغ بیشتری بگذارند که نظر آقا هم تأمین شود.

رئیس - آقای فرخی

فرخی - لایحه تأسیس بانک فلاحتی که تقدیم مجلس شده اولین قدم قابل تقدیر دولت محسوب میشد اگر حقیقتاً ترقی دادن فلاح و زراعت مملکت بیشتر از این منظور نظر و قابل توجه واقع میشد تأسیس بانک فلاحتی یکی از برجسته ترین امال ملیون بود هر چند انتظار داشته و داریم که این بانک وسیله اساسی را برای اصلاحات وسیع تری در امور فلاحت فراهم آورد و کمک های عملی تری برای زارعین زحمت کش فراهم کند. ولی متأسفانه این لایحه مطابق انتظارات منافع زارع و دهقان را که عمده سنگینی مالیات ها متوجه آنها است تأمین نموده و چنانچه به مواد آن مراجعه شود اظهارات من کاملاً ثابت و مبرهن میشود. در ماده اول ذکری از اعتبار سالیانه شده تا ده سال هر سالی پانصد هزار تومان که در این مدت ده سال سرمایه بانک به پنج میلیون خواهد رسید به عقیده من با این پول جزئی کمک اساسی بفلاح و زراعت این مملکت خیلی مشکل بنظر میآید بلکه با بودجه سی و پنج میلیونی ما فقط پنج در صد برای این بانک تخصیص داده شده و با این پول کفایتی برای فلاح و زارع نخواهد شد. به علاوه بموجب ماده ۶ این لایحه قرض در مقابل املاکی داده میشود که بشت رسیده باشد لذا این قرض را فقط يك قسمت از ملاکین میتوانند بگیرند که در نواحی آنها ثبت املاک دائر شده باشد و بدیهی است آنهایی که املاک ثبت شده دارند خودشان فی حد ذاته معتبر و چندان محتاج به این استقراض نخواهند بود. از این گذشته مطابق قانونی که همین مجلس هفتم تصویب نموده صاحبان املاک می توانند املاک

خودشان را ببنانک انگلیس هم گرو یا وثیقه داده پول دریافت دارند پس با این نظر نه تنها منافع زارع تأمین نشده بلکه لایحه تأسیس بانک فلاحتی که بایستی تمام در اطراف منافع دهقان دور بزند بکلی آن سلسله مهم را فراموش کرده و گویا آنها بکلی در درج کلام ساقط شده اند. ماده چهارم لایحه که استقراض را برای انجام مقصود فلاحتی تشریح میکند هیچگونه شرطی برای اصول محصول زراعت با ماشین آلات جدیده معین نکرده و تهیه ابزار و اسباب قرن بیستم را بکلی مسکوت گذارده بنابراین بانک فلاحتی مطابق پرورده که تقدیم مجلس شده است برای ترقی اصول زراعت و تدارک کردن آلات و ادوات فلاحتی جدیده قرض نخواهد داد و زراعت ما با همان طرز قدیم مطیع حوادث خواهد بود. البته بانک فلاحتی که با این ترتیب تأسیس میشود برای ترقی زراعت مملکت نافع نخواهد بود و زارعین که قسمت مهم مملکت را تشکیل میدهند از این بانک بی بهره مانده و هیچ استفاده نخواهند برد تنها يك دسته قوی ملاکین مکتب است سرمایه جدیدی با منافع کم بدست آورده که آنها بچشم بیشتر و باعث غرور آنها شده و زارع مفلس بیشتر دچار سختی و بدبختی میشود چنانچه همه میدانیم فلاح هر مملکت مخصوصاً (مملکت) ما باعث رونق اقتصادی و صادرات همان مملکت خواهد بود و اقتدار دولت ها منوط بتوسعه فلاح است. اگر درست ملاحظه شود این اشکالات که هر روز در مقابل ما عرض اندام مینمایند فقط نتیجه بحران فلاحتی ما است. عملی کردن اسعار خارجه که مستلزم جریان پول طلا میباشد فقط با توازن صادرات و واردات میسر میباشد آنها خاصه واردات ما که تقریباً سی میلیون از صادرات ما بیشتر است باستانی صادرات فقط جنوب. (کازرونی - مگر سرمایه ما چقدر است؟) که بدیهی است طلاهای ما بخارجه رفته و این مونوپول بانک چندان اثری نخواهد داشت. احصائیه را ملاحظه فرمائید. (کازرونی - احصائیه دروغ است؟)

بله اصلاحات مالی هم وقتی عملی میشود که بر صادرات ما افزوده شود و این میسر نخواهد شد مگر بوسیله ترقیات فلاحی غیر از قالی تمام اجناس صادر ما فلاحی است متأسفانه احصائی ۱۳۰۷ حکایت میکند که صادرات پنبه و پنبه‌وسبزه و بادام و پسته و گردو و غیره و غیره ما هفتاد درصد شده اگر یک اقدام موثری نشود فلاح و تجارت خارجی ما بحال سخت تری دچار خواهد شد. با این اوضاع فلاحی و اقتصادی سعی کردن در رواج البسه وطنی هم چندان سود مند نیست زیرا که بازار امتعه وطنی ماداخله است و مشتری این اجناس بیشتر دهاقین و طبقه متوسطه است که از یکطرف بر الباتشان افزوده و از طرف دیگر مال‌الاجاره زمین و دکاکینشان زیاد شده است بطوری که استطاعت خریداری اجناس وطنی ندارند ضرر این ترتیبات متوجه تجار هم هست هر روز معاملات کمتر منفعت قلیل تر و رشکستی بیشتر بالاخره زندگانی برای اغلب مردم سخت میشود و برای اغلب طبقات گران تر شده است. چندی دیگر که متخصصین فلاحی ما از خارجه مراجعت می‌کنند شغلی برای آنها پیدا نخواهد شد زیرا که آنها متخصص در زراعت های عملی هستند که با آلات و ادوات جدیده ممکن است عملی شود ولی نظر باحصائی ۱۳۰۷ که می‌کنیم می‌بینیم ماشین آلات فلاحی وارد در مملکت در حدود صد هزار تومان و واردات اسباب بازی از قبیل عروسک و غیره بیشتر از این حدود است. تنها واردات گرامافون و صفحات آن چهار برابر ماشین آلات است و این بر ضرر ملت است و با این که من هیچوقت میل ندارم در مثل هم که معروف است مناقشه نیست بملت که (هر چه هست از او است لاغیر) لفظ خارج از ادب اظهار کنم ولی بنده میگویم که گوسفند را اول باید سیر کرد بعد از آن از شیرش استفاده برد. بله با اینکه مجلس هفتم هر روز مالیات جدیدی وضع کرده و میکند و عایدات گمرکی ما چهار برابر و نیم قبل از جنگ شده است معهدا هنوز

تغییری در وضعیت اقتصادی ما حاصل نشده فقط یک قدرتی سر پوش و وضعیات است با این وضعیات سنگینی این مالیات‌نازه بلدی‌مشفول وضع مالیات است. راست است که مالک متری ممکن است مالیات ها شان بیش از اینها باشد ولی ملتشان بمراتب غنی تر و متمول تر از ما است و حقیقتاً اگر خواسته باشیم باین بحران شدید خاتمه بدهیم باید بامور فلاح و زراعت بیش از این توجه کنیم و مساعدت های کاملی بیشتر از اینکه در این لایحه پیش بینی شده است بامور فلاح و بنمائیم. به عقیده من باید املاک خالصه را به بانک فلاحی واگذار کرد که بانک مزبور آن را بین رعایا تقسیم کند. و جواهرات سلطنتی را سرمایه بانک فلاحی قرار داد تا بهر نحو که میسر است رفاه حال زارعین را فراهم کند و تشکیل طبقه زارعین مستقل داده آنها را از عبودیت نجات دهد. باید وسائلی فراهم نمود که دهاقین و فلاحین به توانند زمین و مواشی را بدست خود گرفته از این وضعیت رهائی پیدا کنند از این گذشته دولت باید به تنهایی مساعدت کند در این کارهایی که افراد به تنهایی از عهده انجام آن بر نمی‌آیند از قبیل خشکاندن باطلاقها و تسطیح راهها و الا ما نمی‌توانیم وسائل آسایش آنها را فراهم کنیم. اینک بمرایض خود خاتمه داده و صراحتاً میگویم با اینکه تأسیس بانک فلاحی که یکی از آمال دیرینه من است معهدا چون این لایحه مرام و مقصد من را که آسایش رعیت و ترقی فلاح است تأمین نمیکند تقاضا میکنم این لایحه مسترد و لایحه جامع تری که صورتاً و معناً باعث ترقی فلاح و زراعت باشد تقدیم مجلس بکنند این جمله متعرضه را در آخر عرض میکنم بنسده هیچوقت میل ندارم از سایر رفقا و همکاران محترم حقی قضیع شود قبل از دستور همه اجازه میخوانند و بهمه اجازه داده میشود ولی بمن داده نمیشود میخوانم راجع بانتخابات حرف بزنم...

(نمایندگان - با همه - خارج از موضوع است)

فرحی - بنده چه میخواهم بگویم؟ همه نمایندگان (زنک بمند)
(در این موقع چند نفر از نمایندگان از جلسه خارج شده و جلسه در میان همه نمایندگان با قیام آقای رئیس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید
رئیس - پیشنهادی راجع ب ماده اول از آقای آقا سید یعقوب رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از کلمه وزارت مالیه اضافه شود مجاز است و در آخر نوشته شود نباید **آقا سید یعقوب** - تأدیه نماید
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا خواستم اعضاء محترم کمیسیون اقتصاد ملی را متوجه کنم در تنظیم لایحه اگر چه جزء اول لایحه داخل در قانون نیست ولی چون یک تاریخی است که باقی میماند کمیسیون اقتصاد ملی با حضور وزیر اقتصاد ملی نوشته آمد ما که وزیر اقتصاد ملی نداریم کفیل اقتصاد ملی داریم برای اینکه این مطلب باقی میماند در تاریخ عرض کردم و یکی دیگر اینکه وزارت مالیه اینجا معنای قانون ملزم کردن قوه مقننه است دولت را با ادارات را بر بجا آوردن تکلیفی وزارت مالیه مجاز است این کار را بکنند یا بانک ملی که مسئول است در تحت نظارت وزارت مالیه مکلف است این کار را بکند خواستم توجه بدهم مخیر محترم را که تعبیر عبارت بعنوان قانون اینست که خبری داده شده است مثلاً مثل لایحه است که خبر بدهیم فلان خبر میشود فلان خبر میشود خبر اینطور نوشتن غیر از الزام و مکلف است از این نقطه نظر این پیشنهاد را کردم برای اصلاح قانون که وزارت مالیه مجاز است همان نظرمان هم هست که کلمات مجاز است در قانون بمعنای مکلف است یعنی وزارت مالیه مجاز است هر سال از سال جاری ناده سال هر سال دپلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود از برای تشکیل

سرمایه فلاحی بیانک ملی تأدیه نماید این ترتیب وضع قانونی است هم اصلاح است پس بطور اصلاحی بود که پیشنهاد کردم یعنی آقای مخیر توجه خواهند کرد
اعتبار (مخیر کمیسیون اقتصاد ملی) - در این جا توجه بفرمائید که مقدمات این کار تقریباً عملی شده است یعنی پانصد هزار تومانی را که برای بانک فلاحی لازم داشتیم در بودجه مملکتیمان گذاشتیم و این تصور نباید برای ما بشود که اگر این مجاز است را ما تکذابیم به این قانون عمل نمیشود و حال آنکه عمل میشود و بعلاوه وقتی که عبارت را این طوری که بنده میخوانم قرائت بفرمائید اشکال رفع میشود. وزارت مالیه از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه بانک فلاحی تأدیه خواهد کرد. این هم بعقیده بنده همان مکلف است که آقا در نظر دارید و ابرادی ندارد با این حال بنده آن اصلاح حضرتعالی را قبول می‌کنم ولی هیچ فرقی نمیکند.

رئیس - رأی میگیریم به ماده اول با اصلاح پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب که آقای مخیر قبول کردند موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم مطرح است: ماده ۲ - با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن برباب فلاح با اسم شعبه فلاحی تأسیس خواهد شد.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در ماده دو عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده ناچار شدم در این مجلس شورای مدلل بدارم که فلاحین ایران آزادند (صحیح است) فلاح ایران رقیب نداشته است مملکت ما مملکت اسلامی است قانون اساسی به آنها حریت داده است و پادشاه ما رعایت قانون اساسی را کرده است و قانون

اسلامی کاملاً رعایا را آزاد کرده است (صحیح است) آنگاه همه شما دارای رعیت هستید کدام رعیت ماعبد بوده است (نماینندگان هیچکدام) رعیت ما آزاد است در هر حقی آزاد است (صحیح است) پس در این مسئله اگر یکی صحبت کرد که فلاحتین از قید رعیت آزاد شوند همه میدانند که رعایای ما آزاد هستند مگر در ممالک دیگری بعنوان رعیت باشند بنده يك نفر که گمان میکنم که نه طرف مرحمت دولت هستم و نه طرف مهر ملت (خنده نمایندگان) به علت این که الحق مر طرف حق را بنده میزنم از این جهت از هر طرف چوب میخورم. حقیقتش این است که بنده پنجاه و هفت سال دارم یعنی در ایران هستم (بعضی نمایندگان - خیر بیشتر دارید) در تمام نقاط ایران هم گردش کرده ام و باندازه خودم هم بیدار و هوشیار بوده ام (خنده بعضی از نمایندگان) خنده میکنید گوش بده رعیت ایران آزاد بوده است در فلاحتش در صنعتش آزاد بوده است. (صحیح است) اگر در يك جائی يك حرفهائی میزنند که آهای اشتراك بنده نمیدانم حالا آمدم سر ماده دو بازم به آقای مخبر جسارت میشود چون دوست است جسارت میکنم که این جا هم تمیر قانون درست تنظیم نشده است مثلاً باز (همینجور به آقای دیوان بیگی هم عرض کردم) عبارت را بعنوان خبر دادن که سرمایه فلان خواهد شد نوشته اند باید عنوان قانون تکلیف باشد به بانک ملی که فلان سرمایه را دادیم و بانصد هزار تومان که عبارت از يك کرور باشد دادیم به بانک ملی مطابق ماده دو آتوقت چه میشود. تأسیس بانک ملی عبارت از چیست یکی برای ترویج صناعت است یکی ترویج تجارت است یکی هم فلاحت است ما گفتیم بانک ملیمان اساسش برای این سه چیز است و حالادولت متوجه شده است که این بانک ملی را روح حقیقی در خارج بهش بدهد و آن کدام است و آن این است که مسئله فلاحتش را رونق بدهد و اهمیت بدهد و بانصد هزار تومان همانطور که فرمودید در بودجه مان برای فلاحت تخصیص دادیم حالا که این کار را کردیم و این مبلغ را

تخصیص دادیم فرمودند وزارت مالیه این کار را کرده است خوب حالا که وزارت مالیه این کار را کرده است بانک ملی مکلف باین کار است که از این سرمایه تأسیس شعبه بکند. عرض بنده نه ابراد اساسی است ابراد عبارتی است بعد از آن که ما آن صد هزار تومان و بانصد هزار تومان را به بانک ملی دادیم چون بانک ملی مطابق قانونی که در دوره ششم گذشت است ماده دومش این است که باید تأسیس کنند شعبه فلاحتی را پس با این ترتیب مکلف است که بانک ملی پس از اخذ کردن این پول شعبه تأسیس کند. حالا عبارت را بنده عقیده ام این است که با این عبارت مفهوم ادا میشود و مقصود هم ادا میشود لکن تنظیم عبارتی اگر این جور نوشته شود بهتر است. پیشنهاد هم میکنم که بانک ملی مکلف است شعبه بعنوان بانک فلاحتی در اداره خودش تأسیس کنند عبارت این طور باید بشود.

مخبر - بنده در آن قسمت اول موافقت کردم حالا ایشان مثل این که ما فارسی نمیدانیم و ایشان فقط فارسی را میدانند (آقای سید یعقوب - خیر عربی خوب میدانید) در صورتیکه بنده گمان میکنم مطلب خیلی واضح است و هیچ محتاج نیست که ما در هر جا مکلف است را بگذاریم و در اینجا هم مصرح است که بانک ملی يك شعبه باسم بانک فلاحتی تأسیس خواهد کرد و هیچ محتاج به مکلف است نخواهد بود.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم مقصود از تأسیس بانک فلاحتی برای این است که عموم فلاحتین ملک و ارباب املاک هم از این بانک استفاده کنند این ماده دوم (آقای مخبر توجه بفرمائید) طوری تنظیم شده است که تصور میکنم ولایات را از این حق محروم داشته باشد باین معنی که نوشته است با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی تأسیس خواهد شد این عبارت از شعبه میسراند که شعبه فقط در مرکز است اگر این حال را داشته باشد که بفرمائید و اگر غیر از این است

که ما میخواهیم بهتر از این باشد باید شعبات آن در تمام ایالات و ولایات باشد و همه مردم و همه رعایا همه ملاکین و فلاحتین استفاده کنند يك اشکال دیگر را هم بنده می بینم که نوشته است برای قرض دادن باریاب فلاحت و ارباب همیشه در مملکت اطلاق میشود بمالکینی که ملک زیاد دارند و يك عده رعیت هستند که خرده مالک هستند و خیلی هم پیریشاند ولی میتوانند با يك استقرار کمی از بانک ملی وضعیات خودشان را اصلاح کنند و ملک خودشان را آباد کنند و قابل زراعت کنند این دو اعتراض برای بنده باقی است و حالا البته با اصلاح میفرمائید یا يك توضیحی میدهند که اقطاع کننده باشد که در هر کجا که بانک ملی است يك شعبه از این بانک برای توسعه فلاحت و کاشایش کار ارباب فلاحت افتتاح خواهد شد و منحصر به يك شعبه و مرکز نیست و شعبات خواهد داشت

وزیر امور خارجه و کفیل اقتصاد ملی (آقای فرغی) -

نسبت به قسمت اول را بنده توضیح داده ام که بانک فلاحتی شعبه مخصوصی است که در بانک ملی تشکیل میشود و بانک ملی هم البته مجموع آن شعبی است که در تمام ایران و در ولایات دارد (صحیح است) مقصود از بانک ملی که میکوبند این عماراتی است که در طهران میبینیم؟ خیر این طور نیست و خیال میکنم بانک ملی یعنی مرکز و شعبات آن. اما در قسمت دوم بنده راضی نمیشوم که این گفته شود که ارباب فلاحت یعنی ارباب ملک ارباب فلاحت غیر از ارباب ملک است ارباب فلاحتی کسی است که فلاحت میکند و گفته میشود ارباب فلاحت ارباب صناعت و این اصطلاح خیلی خوبی است و اشکالی هم ندارد (صحیح است)

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای مجد ضیائی قرائت میشود:

پیشنهاد آقای مجد ضیائی

پیشنهاد میکنم در ماده دوم پس از کلمه شعبه فلاحتی

اضافه شود. ملکینی

رئیس - بفرمائید.

مجد ضیائی - بنده نظرم این است که پیشنهاد کرده ام

و ضرری هم نخواهد داشت.

مخبر - بنده گمان میکنم که این پیشنهاد همانطور

که خودشان فرمودند چیز زیادی است و فرقی نمی کند

رئیس - قبول میکنید؟

مخبر - خیر بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مجد ضیائی موافقین

قیام فرمایند.

(چند نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده سوم قرائت میشود:

ماده ۳ - هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکور در فوق

باندازه توسعه یابد که تبدیل آن به يك بانک مستقل مقتضی

شود اداره بانک ملی با موافقت هیئت نظارت بانک و تصویب

هیئت دولت باین امر اقدام خواهد کرد.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - آقای مخبر یک قدری سوء تفاهم از

برایشان نشود. بنده منکر نیستم که ایشان اهل اطلاع هستند

در فارسی و اعلم العلماء هستند اگر بنده يك عرض می

کنم در مواد سوء تفاهم نشود که بنده مخالف هستم نظرم

مخالفت نیست نظرم توضیح دادن عبارت است مسائلی

که بنده عرض میکنم و وزیر جواب میدهد یا مخبر جواب

میدهد بین ماده است که این ماده که مبهم است در موقع

عمل کار کنان دولت رجوع به آن توضیح میکنند. در

این جا نوشته است هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکور

در فوق باندازه توسعه یابد که تبدیل آن به يك بانک مستقلاً

مقتضی شود. این عبارت را این جا تا آقای وزیر محترم

امور خارجه که تشریف دارند یا شما که مخبر هستید

بیان نکنید که آن توسعه باید منظور تاجه اندازه است البته

این کلام مجمل و مبهم است از جهت رفع این ابهام بنده سؤال میکنم

لابد آقای وزیر محترم امور خارجه بیان میکنند که توسعه اش

باندازه ایست که میتواند در آذربایجان و فارس یا مازندران

و گیلان شعب درست کند و مخارج خودش را اداره کند این معنی را می کنید آنوقت برای رفع توهم است یعنی بفرمائید که بنده مثلاً فارسی فلان هستم این را نفرمائید پس برای توضیح این را عرض میکنم که توضیح بدهید.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - ما همه وقت از برای توضیح مطالب حاضریم و این عبارت هم همانطور است عجله تا سرمایه ما عملیات نکند زیادتر از این ما نمیتوانیم وسعت بدهیم و مردم نمیتوانند استفاده کنند و مطابق این نیت معنی ندارد که يك دستگاه و اسباب مخصوص معین کنیم مخارج اعضا و اجزا زیاد میشود حالا عجله در بانک ملی هم که بانک خودمان است این کار را عجله انجام میدهم شروع میکنیم و اگر وسعت پیدا کرد تا آنجائی که دیدیم اعضا مسئولی میخواهیم اگر رئیس مسئول داشته باشد بهتر میتواند کار کند، رئیس بانک ملی مجال نمیکند باینکار برسد یا فلان يك شعبه درست میشود که اعضا و اجزاء هم دارد.

رئیس - موافقین با ماده سوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود:

ماده چهارم - شعبه فلاحتی هیچ قرضی نخواهد داد مگر برای انجام یکی از مقاصد ذیل:

۱ - برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه (تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

۲ - برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحصیل محصولات چای پنبه نیل حنا روناس ابریشم کتف نیشکر توتون تنباکو پسته بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنرا در منطقه که ملک استقراض کننده در آنجا واقع است لازم بداند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا اشتباه کردم آقای مؤید احمدی قبلاً در ورقه اجازه خواسته بودند

اورنگ - بنده مقدم

هم پیدا شد چون این اهمیتش بیش از آن دو فقره است و البته چون با این پول کم باید الا هم فالاهم را در نظر گرفت آن اهم از این است اگر غیر از این بکنیم ترجیح بلا مرجح است بعقیده بنده این است که باز پیشنهاد کردم پراکنز حذف شود

مخبر کمیسیون اقتصاد ملی - چون این پول کم است و احتیاجات هم خیلی زیاد است ما اگر آن پراکنز را برداریم و اعم کنیم این را تصدیق میفرمائید که بهیچیک از منظوری که در این لایحه گنجانده شده از برای بدست آوردن يك محصولات مفیدی موفق نمیشویم بالاخره قنوات هم در این مملکت همانطوریکه خود آقا اطلاع دارید خیلی زیاد است و همه قنوات هم شاید یا در اثر عدم بضاعت یا در اثر لایابالی گری که هست و می بینیم غالباً آب اینها نسبت بابتدای عملشان کم شده است اگر ما بخواهیم اینجا موافقت کنیم با نظر آقا این پول که کفایت نمیکند هیچ بعقیده بنده يك مبلغ خیلی بیشتری هم اگر ما قائل بشویم یعنی اگر میداشتیم و منظور میکردیم باز هم موفق نمیشدیم که اجازه بدهیم تمام قناتی که ایشان در اثر يك وضعیتی کم شده است به آنها مساعدت بشود که آب آنها زیاد بشود بنده خیال میکنم که فعلاً با این ترتیبی که تنظیم شده که ماده تنظیم شده است بهتر این است که ما موافقت کنیم فقط قناتی را هم که در اثر حوادث و مخصوصاً نوشتیم که اگر خشک شده باشد به آنها مساعدت بشود و البته آن مساعدت هم که با آن قنات در قسمت خشک شدن میشود يك قناتی که سابق پنج سنک آب داشته و حالا نیم سنک آب دارد این در حقیقت همان خشک شده است در آنجا هم دولت البته مساعدت خواهد کرد ولی اگر بخواهیم بدو کلی بنویسیم که مساعدت میکند پول وفا نمیکند و نتیجه نخواهیم گرفت.

رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - ما و دولت دارای يك منظور واحدی هستیم و در منظور و مقصد شريك هستیم کاملاً و آن این است

که بقدر استطاعت بقدر مقدور امروزه مملکت مساعدتی بشود که املاک مادا برتر بشود و بهتر. دولت بیش از مبلغ پانصد هزار تومان یعنی حداقل پانصد هزار تومان تازه سال فعلاً بیشتر نمیدانند بیانك فلاحتی كك مادی کرده باشد آهم با این شرایط مینه باشخاص قرض داده میشود راجع بمسئله قنوت دولت همان منظور را دارد که ما هم تعقیب میکنیم همان منظور را ولی اینجا یکقدری تبیین که بشود شاید دولت یکقدری موافقت کند و البته دولت منظور خودش را میخواهد و قصد و غرض دیگری ندارد ملاحظه بفرمائید مملکت ایران در قسمت مازندران و گیلان محتاج به حفر قنات و بیرون آوردن آب نیست آنجا نظر به آبهای زیاد و اصطخرهای زیادی که هست و دهات را آبیاری میکنند زراعتشان را در قسمت غرب مملکت مخصوصاً همدان و اطرافش آنجا هم حفر قنات خیلی طول ندارد قناتهای همدان دو ذرع و حد اعلائی آن سه ذرع و چهار ذرع بیشتر نیست که آب بیرون می آید و بیشتر زراعتشان دیم است و بیشتر قسمتی که در مملکت ایران محتاج بحفر قنات است برای استخراج آب قسمت جنوبی این مملکت است و بند خودم دیدم وکلای محترم یزد و کرمان الان اینجا حاضرند در شهر یزد روی يك قنات (من آنوقت انومبیل و سایر وسایط نقلیه نبود با مال میرفتم) سه منزل کامل روی يك قنات رقم شب توقف کردیم روز حرکت کردیم در مهدی آباد یزد یعنی سه منزلی شهر یزد رسیدیم بمادر چاه آن قنات که هیجده فرسخ کامل است ولی از آقایان یزدی ها شنیدم تا بیست و دو فرسخ و بیست و سه فرسخ هم امتداد قنات هست چنانکه خاطر همه مسبق است آقایان اینجا تشریف دارند استفسار بفرمائید در یزد مخصوص کتر کسی است که پیدا شود مالك يك قنات باشد چون از روی پنگان قدیم که فنجان باشد تقسیم بندی میشود هنوز هم در اصفهان همینطور است قنات سه ده اصفهان (آقای الفت تشریف دارند) از روی فنجان تقسیم میشود یعنی يك فنجان قهوه خوری را که آن نهن را سوراخ بکنند هر مقدار آبی که در این فنجان داخل

این توضیح را با این کیفیت عرض کردم.

کفیل وزارت اقتصاد ملی - بنده هم يك توضیحاتی میدهم تصور میکنم که آقا و سایر آقایان قانع بشوند اولاً در اینجا منع نمیشود از اینکه يك وقتی اگر اطلاع داشته باشند يك قناتی را که آبش کم است بخواهند زیاد کنند بوسیله بانك فلاحی بانك این کار را بکنند منع نمیکند ملاحظه فرمائید که برای دو مقصود میتوان قرض کرد از بانك فلاحی: یا برای پیدا کردن آب نازه است که این خودش يك مقصود اساسی می شود مثلاً اگر يك کسی برود بگوید بانك فلاحی که فلان ملك که اینطور است و اینطور است ملاحظه میکنید آب ندارد و من میخواهم بروم آب دائر کنم، قنات حفر کنم و این اراضی را آباد کنم همین قدر کافی است و دیگر از او چیزی نمیخواهند اگر فهمید راست میگوید یا او موافقت می کنید. اما اگر بگوید آب قنات من کم شده است می خواهم لاروب کنم تا زیاد بشود این را ما مقصود بالذات برای استقراض قرار نمیدهم ولی اگر يك کارهای دیگری می خواهد بکند که آن کارها را بموجب این قانون برایش میتواند استقراض کند و در ضمن آن کار و آن عمل لازم بشود که آب قناتی را هم که کم شده است زیاد بکند باز مانعی ندارد مثلاً می آید میگوید من اینجا میخواهم ابریشم کاری بکنم یا کف یا پنبه یا فلان چیزی را که در این قانون تجویز شده است زراعت کنم برای این کار پول می خواهم قرض کنم از بانك فلاحی و قتیکه این پول را قرض میکند آن کازش شاید مستازم این بشود که قنات دائر کند یا آبش را زیادتر کند یا هر عملیانی که لازم است بکند فلان وسیله را تهیه کند فلان ماشین زراعتی را بیاورد که بهتر کار کند اینها يك عملیاتی است که میتواند بکند ولی اصالتاً برای زیاد کردن قناتیکه آبش کم شده است قرض نمیکند من قرض میکنم برای اینکه پنبه را ترقی بدهم و این پنبه زیاد کردن یکی از لوازمش اینست که

میشود و عبور میکند يك مالك دارد بلکه چند مالك دارد و این بواسطه کمی آب است در قسمت حفاری قنات حالا يك همچو قناتی که چهار صد هزار تومان بیشتر کمتر بین يك عده تقسیم شده است و يك سینی و يك عمر هائی صرف شده است برای اینکه يك همچو قناتی حفر شود و آبش استخراج شود حالا همچو قناتی در اثر حوادث بقول فرمایش شما که در این قانون گذرانده آید آبش کم شده است اما این نتیجه چهار صد هزار تومان مخارج است این يك چارك آب که می بینیم اگر مالك اینجا بیاید ثبت اسناد هم داشته باشد اقتناع بکند بانك فلاحی را که با این قنات باین کیفیت است اینقدر آب داشته حالا اینقدر شده است بسا دهات هم در این تفریل آب امروز و روز بران شده اند بانك فلاحی را که اقتناع کرد از این بانك فلاحی استقراض کند و این قنات را تنقیه کند مطابق این شق نانی ماده چهار بانك فلاحی امتناع دارد از قرض دادن به همچو مالکی برای همچو مقصدی در صورتیکه ما میدانیم دولت این سرمایه را که برای بانك فلاحی گذارده است البته مبلغش آن مقدار بنیه ندارد که يك مالکی بیاید از این يك کرور تومان سرمایه بانك فلاحی يك کرور قرض بکند يك همچو قناتی بکند آدمی و قرض داد بانك فلاحی عمر این آدم کفایت نمیکند عمرش کفایت کرد ممکن است پول را خرج بکند تازه با آب بر نخورد و آب نیاید پس ما و دولت دارای يك منظوریم دولت میگوید نظر باینکه امروز بیش از این نمکن نیست این مبلغ را من گذارده ام برای توسعه این کارها و آبادانی اینکارها ما هم همین منظور را داریم پس حالا که منظور مان یکی است خوب است در این مقدمه بخصوص توافق فرمائید آقای وزیر محترم خارجیه بلکه باین وسیله ما بهتر بتوانیم منظور دولت را رعایت کرده باشیم در این مقدمه اگر اندکی تفکر بشود خیال میکنم بامن موافقت بشود غرضم از این بیان این نبود که بنده بیانی عرض کرده باشم و آقای مخبر محترم فرمایشی فرموده باشند مخالفت نیست توضیح است

آب باید تهیه کنم آب زیاد کنم در ضمن آن اینکار را هم میکنم اما نه بالاصاله این یکی مطلب دیگر اینکه چرا ما این قید را کردیم که بالاصاله از برای تنقیه و زیاد کردن آب قنات قرض نکند برای همان مطلبی بود که مکرر ذکر شد. همانطور که گفته شد قناتی که آبش کم شده باشد در این مملکت فراوان است و زیاد و کمتر قناتی است که نشود این حرف را در باره آن زد که اگر يك عملیاتی در باره او بشود آبش زیاد می شود ولی این برای ما فعلاً اقتدرها محل علاقه نیست و علاقه ما در امر زراعت عجاله بیشتر باین چیزهائی است که در این جا ذکر شده است و اگر میخواستیم این کار را هم بکنیم يك سرمایه فراوانی میخواستیم و با این سرمایه نمی شود. بالاخره يك چیز دیگری را هم می خواهم خدمت آقایان عرض کنم و توجه بدهم که چه در این موضوع و چه در موارد دیگر آقایان مثل این است که غفلت کرده اند از يك موضوعی و آن این است که بانك فلاحی وقتی تأسیس می شود وسیله منحصر بفرز برای استقراض و پول پیدا کردن مردم نیست. اینهم يك وسیله است که ما اضافه می کنیم بر سایر وسائل (صحیح است) مگر تا بحال مردم پول قرض نمیکردند؟ البته میروند و قرض میکنند متنها ما يك بانك فلاحی هم درست میکنیم با این شرایط مخصوص و با يك ربح کم که پول بمرم قرض بدهد برای يك مقاصد خاصی و الا احتیاج فلاحی مردم ب سرمایه و استقراض خیلی بیش از اینها است و تنها این وسیله نیست وسائل دیگر هم باز در مملکت موجود است آنها که از بین نخواهد رفت. اگر همه آنها را آقا در نظر بگیرند گمان میکنم قانع بشوند.

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - پیشنهاد آقای کیا:

پیشنهاد مینمایم در ماده چهارم لفظ شعبات بجای شعبه گذارده شود.

کیا نوری - عرض کنم که این ماده چهارم را بنده تصور میکنم ما حصل این قانون است برای اینکه يك چیز هائی را برای زیاد کردن صادرات مملکت در نظر گرفته است و تمام این مقاصد خلاصه شده است در این ماده چهارم. ولی در این جا نظر بنده چند چیز می آید. یکی اینکه آقای وزیر محترم اقتصاد توضیح دادند بانك ملی يك بانك است و شعبه او هم يك شعبه است ولی در اینجا بنده تصور میکنم برای رفع سوء تفاهم شعبات نوشته شود بهتر است زیرا همانطور که بانك ملی دارای شعبات مختلفه در ولایات است در هر نقطه که باشد در همان نقطه هم شعبه بانك فلاحی را خواهد داشت باین جهت بنده تقاضا می کنم که این لفظ شعبه را تبدیل به شعبات بکنند و گمان می کنم آقای مخبر اگر توجه فرمائید می بینند بعد هم مورد احتیاج می شود حالا شاید نمکن است الا آن يك شعبه در مرکز ایجاد شود البته بعد همینطور که بتدریج سرمایه زیاد می شود از برای بسط فلاحت مجبوراً باید حتی الامکان دولت آن جاهائی که مقدورش است شعباتش را ایجاد کند مثلاً در ایالات و ولایات در مرکز طهران که فلاحت نیست که شعبه بانك فلاحی باشد متنها این جا مرکز اعتباراتش است ما زانندان محتاج به فلاحت است آذربایجان محتاج بفلاحت در طهران چمی کنند در طهران و اطراف آن فلاحی که برای صادرات باشد وجود ندارد، لذا بنده تقاضا داشتم که این لفظ را این جا اینطور بنویسند شعبات این هیچ ضرری ندارد و اگر حالا محتاج نباشند بعد در مورد بسط فلاحت محتاج خواهند شد.

مخبر - عرض کنم این فرمایشی که فرمودند بعد مورد پیدای کند ما که الا بانك فلاحی تأسیس نمی کنیم يك شعبه در بانك ملی قائل شده ایم که در بانك ملی فعلاً عمل کند تا موقعی که برسد بآن مقامی که خودش بتواند بالاستقلال يك بانکی بشود آنوقت البته شعبات هم خواهد داشت حالا هم در هر محل و در هر

مرکزی که بانک ملی باشد واقفاناً بکند يك شعبه فلاحتی تاسیس میکنند و بعلاوه ما اینجا اسم نبردیم که در طهران و اطراف آن این پول را قرض بدهند یا در مازندران نخواهند کرد. خیر هر جا که مقتضی بشود و هر جا که وضعیت مساعد باشد برای مساعدت آن جا اشکال ندارد که بانک ملی به شعبه بانک ملی خودش در آنجا اجازه بدهد که شعبه فلاحتی تاسیس کند و مساعدت هائی با مردم بکند

رئیس - آقابانیکه پیشنهاد آقای کیا را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دهستانی: پیشنهاد می کنم بعد از بدست آوردن آب تازه علاوه شود و پشته انداختن قنات

دهستانی - عرض کنم که فرمایشاتی که آقای مؤید احمدی و آقای اورنگ فرمودند بسیار بمورد بود الان نظر آقایان را عرض می کنم خدمت تان: يك قریه که دارای يك قناتی است دارای پنج سنک آب ده سنک آب است و الان موقع دانه بستن زراعت است دفعه قنات پشته می اندازد اینجا نه تنها محصول از بین میرود بواسطه تاخیر آب بلکه تقریباً این تاخیر ده برابر خرج مالک را زیاد خواهد کرد و البته تصدیق خواهید فرمود و البته تصدیق میفرمائید که این خرج اهمیتش بیشتر است از آن قنات دائر کردن و اما اینکه اگر بخواهند تنقیه قنات را حذف کنند این خیلی تأثیر پیدا نمی کند برای اینکه تنقیه قنات اینقدرها اهمیت ندارد و بودنش هم در این لایحه چندان لزومی ندارد تا پشته انداختن پشته انداختن ذکر کردنش در اینجا لازم است و يك خسارات آبی میرساند نه تنها خسارت آبی برای ملک دارد برای آتیه هم خسارت و ضرر کلی بمالک وارد می آورد این است که بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافقت فرمایند قسمت پشته انداختن که خیلی اهمیتش از تنقیه قنات لازم تر است اضافه شود.

مخبر - اگر قناتی پشته انداخت که ان میکنم. (دشتی چه ضرر دارد قبول کنید) اشکالی نداشته باشد که برود يك معامله فوری با يك کسی بکند و رفع پشته انداختنش را هم بکند و بعد از خودش استفاده بکند اما بانک فلاحتی نمی تواند و نمی توان او را مکلف کرد که اگر پشته انداخت پول قرض بدهد.

دشتی - بکمرتبه دیگر قرائت شود:

(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقابانیکه پیشنهاد آقای دهستانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای کازرونی بنده پیشنهاد می کنم در قسمت دوم از ماده چهارم

اضافه شود و خرما. کازرونی - مؤید احمدی **کازرونی** - عرض کنم که غرض دولت این است که تقویت کند و تشویقی در صادرات مملکت کرده باشد اصل نظر دولت این است مکرر هم فرموده اند محل انکار هم نیست. اگر اینطور است بنده عرض میکنم که یکی از صادرات خوب مملکت ما خرما است و البته صدور خرما بیشتر از بندر بوشهر از خوزستان از بندر عباس از میناب و بعضی بنادر جنوبی است آقای وزیر محترم باید اطلاع داشته باشند و اگر نداشته باشند بنده عرض میکنم خرما از صادرات خیلی مهم مملکت است و تشویق کردن صادرات هم از مقاصد و منظورهای مهم شما است پس در ایصورت ضرری ندارد که خرما را هم اضافه فرمائید و بنده اطمینان میدهم که بمراتب صادرات خرما بیش از بادام و پسته و غیره است و اگر غیر از این میدانید مراجعه فرمائید باستاتستیک که کمی تان و بنده استدعا میکنم که قبول فرمائید و این خودش يك خدمتی است در عالم خودش بصادرات مهم قسمت جنوب مملکت **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - عرض کنم که اگر بنده بخواهم آن مقصودی را که حضرتعالی دارید قبول کنم

خیلی چیزهای دیگر هم هست که میشود بآن عنوان ضمیمه کرد و بنده خیال میکنم همان جمله آخر ماده وافی باین مقصود بوده که در موقع بسط و توسعه این شعبه و تبدیل آن بیک بانک فلاحتی با سرمایه کافی یکی از آن چیزهائی که توسعه و تشویق آن منظور نظر قرار گیرد خرما باشد

رئیس - آقابانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مؤید احمدی این بنده پیشنهاد میکنم عبارت پراتنز از قسمت اول ماده چهارم حذف شود

آقا سید یعقوب - توضیح دادید قبلاً

مؤید احمدی - عرض کنم که بنده توضیحاتم را قبلاً عرض کردم لکن چیزی که حالا در نظر آمد اینست که آقای مخبر در جواب بنده فرمودند اگر قناتی در اثر حوادث پنج سنک آب داشته و بعد خرابی پیدا کرده و امروز يك چارک بیشتر آب نداشته باشد البته بانک بقرض او میدهد در صورتیکه بانک بموجب این پراتنز ممنوع است. اگر تصدیق دارید که باید بقرض او داد که این پراتنز را بردارید چون تصدیق فرمودید که میدهد یکی هم آقای وزیر فرمودند که اگر پراتنز را بردارند آنوقت ممکن است هر کس که بخواهد قناتش را لارویی کند بیاید و از دولت (بانک) قرض بکند و این پول مختصر کافی نیست بنده عرض میکنم اولاً در اول ماده است که در اثر حوادث خراب شده باشد. مثلاً سیل آمده باشد زلزله زده باشد و خرابی پیدا کرده باشد آنوقت پنج هزار تومان صاحبش خرج کرده و يك سنک آب در آورده و چند سنک دیگر باقی مانده حالا بیایند و پول بقرض او بدهند که تمام پنج سنک را در بیارند این چه ضرری دارد؟ اما اینکه هر دهی که بیخود آبش کم شده است یا بارندگی کم شده است و قنات بالنسبه آبش کم شده است بیاید و بانک بقرض او بدهد

در اثر حوادث نوشته شده است خودتان هم تصدیق فرمودید که بقرض او داده میشود پس چه اصراری به پراتنز دارید که بماند در صورتیکه در يك ماده هم بعد است که هرگاه يك کسی دارای تمام شرایط باشد و بانک بخواست بقرضش بدهد نمیدهد پس این پراتنز را بردارید بنظر خود بانک باشد اگر دید خوب است که قرض میدهد اگر خوب ندید که نمیدهد پس بهتر اینست و استدعا میکنم آقای موافقت فرمایند که این پراتنز برداشته شود که هم دست بانک باز باشد هم دست دولت

مخبر - بنده عرض کردم که اگر يك قناتی واقعا پنج سنک آبش باشد و منتهی شود بیک چارک این را ممکن است موافقت بشود و پول بهش بدهند و این را لاروب کنند و درست کنند و آب را زیاد کنند ولی اگر پراتنز را برداریم آنوقت هیچ دلیلی دیگر نیست بنده اعم از اینکه آب قنات کم شده باشد یا نشده باشد میگویم کم شده اگر چه قرض هم بکنم شاید زیاد تر بشود ممکن است زیاد تر هم بشود و این تشخیص هم مشکل است بعلاوه بطوریکه که اول عرض کردم این پول هم کفایت باین قسمت نمی کند و بنده نمی توانم این پیشنهاد را قبول بکنم. **رئیس** - آقابانی که پیشنهاد آقای مؤید احمدی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نمود)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای کیا: بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۴ اضافه شود قیسی (خنده نمایندگان)

کازرونی - قیسی را در مقابل خرما آوردند؟ **مالک آرائی** - انگور قزوین و سیب زنجان **کیا نوری** - آقایان می خندند و چیزهای دیگر را می فرمایند و مثال میزنند (صدای زنگ)

رئیس - آقا مباحثه بین الانین نکنید حرفتان را بزیاد در پیشنهاد تان صحبت کنید.

کیانوری - بلی آنها هم که آقایان می فرمایند مانعی ندارد که اضافه شود این جا در عبارت ماده است که

در آخر ماده عرض لازم بداند نوشته شود نافع بداند
رئیس - آقای فیروز آبادی .

فیروز آبادی - چون این جا يك لفظ لازم نوشته شده است لازم تالی مرتبه واجب است اما غرض ما نافع بودن است هر جا که نافع دانست باید قبول کند (ایزدی - آقا و قی نافع شد لازم میشود این فرق نمیکند) هر جا که نافع دانست قبول نکند لفظ نافع برای این منظور گمان میکنم بهتر باشد
مخبر - بنده قبول میکنم این پیشنهاد را

رئیس - بسیار خوب رأی میکیریم بماده چهارم با اصلاح پیشنهادی آقای فیروز آبادی که آقای مخبر قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
تصویب شد

کازرونی - ختم جلسه

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است (صحیح است)
اگر موافقت فرمائید جلسه آینده یکشنبه دوم شهریور چهار ساعت قبل از ظهر و دستور مابقی دستور امروز باشد (نمایندگان - صحیح است)

[مجلس يك ربع بعد از ظهر ختم شد]
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

هر نوع مصدلی که توسعه اش را وزارت اقتصاد ملی لازم بداند بنده اگر چه این را کافی میدانم ولی اگر این هم قید شود ضرری ندارد چون امثالی در ماده است و خرما می آفای کازرونی هم هیچ مانعی ندارد که قید شود . (عده از نمایندگان - رأی رأی)

رئیس - آقایانیکه موافقت با این پیشنهاد قیام فرمایند (هیچکس قیام ننمود)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر :

پیشنهاد می کنم در قسمت دوم ماده چهارم در سطر اول بعد از کلمه مصدلات دیگر کلمه خرما هم اضافه شود

عده از نمایندگان - رد شد . رد شد

موقر - اجازه می فرمائید بنده توضیحات دارم .
رئیس - نه خیر . پیشنهاد آقای کیا :

بنده پیشنهاد مینمایم جمله آخر فقره اول ماده ۴ که در براتر نوشته شده است برداشته شود .

عده از نمایندگان - اینهم رد شده است آقا .
پیشنهاد آقای فیروز آبادی - بنده پیشنهاد می کنم